

سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب: تحلیل تطبیقی فازی

بین‌کشوری از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸

علی ساعی،* افشار کبیری،** محمدسالار کسرائی،*** حسین صادقی****

چکیده

مسئله این مقاله تبیین تفاوت‌پذیری کیفیت حکمرانی است. بر این اساس، سؤال تحقیق به صورت زیر بیان شده است: تفاوت‌پذیری کشورها برحسب کیفیت حکمرانی چگونه قابل تبیین است؟ چارچوب نظری تحقیق به این صورت است: سرمایه اجتماعی شرط علی لازم برای حکمرانی خوب است. در گام بعدی راه‌حل نظری مسئله در قالب فرضیات استنتاج شد. سپس فرضیات پژوهش با استفاده از داده‌های تجربی مورد داوری قرار گرفت. این تحقیق، در بُعد روشی، تطبیقی بین‌کشوری است و واحد تحلیل آن کشور است. روش تحلیل این مقاله روش فازی است که داده‌های آن با استفاده از نرم‌افزار Fs/QCA پردازش شده است. داده‌های تجربی ناظر بر شاخص سازگاری دلالت بر آن دارد که رابطه فازی دو مجموعه سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب برابر با ۰/۷۱ است. این ارزش نشان می‌دهد که ۷۱ درصد موردها این ادعا را تأیید می‌کنند که سرمایه اجتماعی شرط لازم برای حکمرانی خوب است. شاخص پوشش بین دو مجموعه سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب برابر با ۰/۷۲ است. این ارزش بیانگر میزان اهمیت تجربی سرمایه اجتماعی برای حکمرانی خوب است. شواهد موجود دلالت بر آن دارد که ۷۲ درصد از فضای حکمرانی خوب، توسط سرمایه اجتماعی پوشش داده شده است. بدین ترتیب، شرط

* استادیار دانشگاه تربیت مدرس saeia@modares.ac.ir

** دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس af.kabiry@gmail.com

*** استادیار گروه جامعه‌شناسی پژوهشکده انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره)

**** استادیار گروه اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

علی سرمایه اجتماعی ۷۲ درصد از عضویت کل نتیجه را پوشش داده است. بنابراین، عامل سرمایه اجتماعی شرط لازم بااهمیتی برای تحقق حکمرانی خوب است.

کلیدواژه‌ها: دولت، جامعه، سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب و تطبیقی - فازی.

بیان مسئله

مسئله این مقاله ناظر بر کیفیت حکمرانی است. درباب دلالت معنایی حکمرانی باید گفت حکمرانی در ذات خود تعامل و همکاری بین جامعه مدنی و نظام سیاسی یا تعامل بین دولت و شهروندان را دارد. حکمرانی به پویاها یا فرایندهای تصمیم‌گیری در جامعه، چگونگی کاربرد قدرت و نحوه روابط دولت و شهروندان (افراد و گروه‌ها) اشاره دارد. به گونه‌ای بنیادین، حکمرانی در پیوند با چگونگی کاربرد قدرت، تعامل و پاسخ‌گویی معنا می‌یابد. در ادبیات مربوط تعاریف متعددی از این مفهوم ارائه شده است. برخی از اندیشمندان حکمرانی خوب را فرایندهای جدید اداره امور عمومی جامعه تعریف کرده‌اند. در برخی کاربردها این واژه با دولت حداقلی،^۱ حکمرانی شرکتی،^۲ مدیریت عمومی نوین،^۳ نظام اجتماعی سبیرنتیک^۴ و شبکه‌های خودسازمان‌شونده^۵ معادل گرفته شده است (ر.ک. لفت‌ویچ، ۱۹۸۹؛ ۲۰۰۰؛ پلومتر و گراهام، ۱۹۹۹؛ استاکر، ۱۹۹۸؛ هایدن و همکاران، ۲۰۰۴؛ سویلینگ، ۱۹۹۵). به لحاظ مفهومی، حکمرانی خوب ناظر بر سیاست مبتنی بر مشارکت، دولت دموکراتیک، کارآمدی حکومت و مدیریت باکیفیت در جامعه است. در این نوشتار منظور ما از حکمرانی خوب به معنای کارآمدی حکومت و مدیریت باکیفیت مبتنی بر مشارکت در جامعه است.

حکمرانی خوب^۶ به لحاظ نظری دارای ابعادی از قبیل پاسخ‌گویی دولت و حق اظهار نظر قائل بودن برای شهروندان، قانون‌مداری و حاکمیت قانون، اثربخشی و کارایی دولت، ثبات سیاسی، مساوات‌طلبی، شفافیت و مسئول‌بودن است (ر.ک. دانیل گافمن، آرت کری و ماسیمو

¹ Minimal State

² Corporate Governance

³ New Public Management

⁴ Socio- Cybernetic System

⁵ Self-Organizing Networks

⁶ Good Governance

مستروزی، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۹). حکمرانی پیوستاری است که در یک سوی آن حکمرانی بد و در سوی دیگر آن حکمرانی خوب قرار دارد. گذر از حکمرانی بد به حکمرانی خوب بستگی به میزان حضور بخش‌های مختلف جامعه در فرایند تصمیم‌گیری دارد و برحسب نوع ارتباطشان با همدیگر در طول پیوستار جای می‌گیرند. همچنین حکمرانی دارای سطوح ملی و بین‌کشوری مختلفی است. اگر توجه خود را به سطح بین‌کشوری حکمرانی معطوف کنیم و به مقایسه کشورهای به لحاظ کیفیت حکمرانی بپردازیم، درمی‌یابیم که از حیث میزان عضویت در مجموعه کشورهای با حکمرانی خوب تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین کشورها وجود دارد. در حقیقت، مدعای تبیینی یا مسئله این مقاله تفاوت‌های آشکار و معنادار در میانگین حکمرانی خوب در بین کشورها است که به‌عنوان مسئله‌ای اجتماعی نیازمند پژوهش علمی است. در اثبات این مدعا می‌توان به شواهد تجربی بانک جهانی استناد کرد. بر اساس گزارش‌های آماری بانک جهانی، شاخص حکمرانی خوب در کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند دانمارک ۹۶، نروژ ۹۶، سوئد ۹۷ و آلمان ۹۱ است. این میزان در بین کشورهای در حال توسعه مانند کره جنوبی ۷۱/۳، مالزی ۶۲، تایلند ۵۳، ترکیه ۵۰/۷۶، برزیل ۵۰/۱۲ و هند ۴۵/۳۲، روسیه ۳۹/۶۴، ایران ۳۷/۶۰، ارمنستان ۳۸، پاکستان ۲۸، عراق ۳/۸ و نیجریه ۱۵/۳۸ است (گزارش‌های آماری بانک جهانی، ۱۹۹۸-۲۰۱۰). در مقام مقایسه، بین شاخص حکمرانی خوب در کشورهای توسعه‌یافته با بالاترین کشورهای در حال توسعه در حدود ۳۰ واحد اختلاف وجود دارد. ایران نیز با شبیه‌ترین کشورهای در حال توسعه از جمله کره جنوبی، مالزی و ترکیه به ترتیب ۳۳/۷، ۲۶/۶ و ۱۴/۱۰ واحد اختلاف دارد.

بر اساس مدعای تبیینی پژوهش، سؤال پژوهش را به این صورت می‌توان بیان کرد: تفاوت‌پذیری کشورها به لحاظ حکمرانی چگونه قابل تبیین است؟
در پاسخ به این سؤال و در مقام حل مسئله دو نوع استدلال اقامه شده است: استدلال نظری و استدلال تجربی. ابتدا در پرتو استدلال نظری، راه‌حل نظری مسئله ارائه و در ادامه، از طریق استدلال تجربی درباب آن راه‌حل داوری شده است.

استدلال نظری

در این بخش، مهم‌ترین تلاش استدلال درباب یافتن دستگاه مناسب برای تبیین نظری مسئله است. بررسی ادبیات موضوع نشان داد که در تبیین کارآمدی حکومت یا کیفیت حکمرانی، دو مجموعه از رهیافت‌های نظری را می‌توان کم‌وبیش از هم تمییز داد. یک مجموعه بر عوامل فرهنگی - اجتماعی تأکید دارد و تغییرات کیفیت حکمرانی را با مراجعه به این عوامل تبیین می‌کند. مجموعه دیگر بر عامل توسعه اقتصادی تأکید کرده و تأثیر آن را بر مناسبات دولت و جامعه مطالعه کرده است. این دسته از نظریه پردازان استدلال کرده‌اند که همبستگی مثبتی بین توسعه اقتصادی و کارآمدی حکمرانی وجود دارد، ولی تأثیرگذاری آن را از طریق ایجاد تغییرات فرهنگی - اجتماعی می‌دانند (ر.ک. لیپست، ۱۹۹۳، ۱۹۹۴؛ هانتینگتون، ۱۳۷۵؛ ونهانن، ۱۹۹۷، ۲۰۰۳؛ دایاموند، ۱۹۸۴، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴).

لیپست معتقد است توسعه اقتصادی در بلندمدت بر تراکم قدرت اثر کاهنده دارد. در سطح کلان توسعه اقتصادی با تفکیک اجتماعی - اقتصادی عجین است. یعنی با تکامل اقتصادی گرچه سلسله مراتب در جامعه افزایش می‌یابد، به دنبال آن، قدرت سلسله مراتب کاهش می‌یابد. در سطح خرد نیز توسعه اقتصادی به رشد طبقه متوسط، افزایش تفویض قدرت، افزایش چگالی روابط اجتماعی و عدم تمرکز سیاسی می‌انجامد و این تغییرات به کارآمدی حکومت منجر می‌شود (ر.ک. لیپست، ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴).

در نظریه هانتینگتون، توسعه اقتصادی از طریق افزایش سطح سواد و گسترش طبقه متوسط که تغییر در نظام قشر بندی و افزایش تقاضا برای مشارکت مدنی را به دنبال خود داشته باشد، بر کیفیت حکمرانی تأثیر دارد (هانتینگتون، ۱۳۷۵).

نظریه ونهانن تحت عنوان توزیع قدرت مطرح است. چیزی که هسته اصلی مفهوم حکمرانی خوب است. در نظریه ونهانن توسعه اقتصادی منجر به توزیع منابع قدرت اعم از اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود و آن هم منجر به تکثر گروه‌های فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی در جامعه می‌شود. در این نظریه کارآمدی حکمرانی نتیجه مصالحه عقلانی میان گروه‌های رقیب است (ر.ک. ونهانن، ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۳).

در نظریه دایاموند توسعه اقتصادی از طریق ایجاد فرهنگ دموکراتیک اعم از میانه‌روی، افزایش مدارا، دانش، مشارکت‌جویی و عقلانی شدن مخالفت سیاسی بر کیفیت حکمرانی تأثیر می‌گذارد (دایاموند، ۲۰۰۳؛ ۲۰۰۴). این دسته از نظریه پردازان با وجود تأکید بر توسعه

اقتصادی بر عامل زیرین تغییرات اجتماعی - فرهنگی نیز تأکید دارند و تأثیرگذاری توسعه اقتصادی بر کیفیت حکمرانی و کارآمدی آن را از طریق سازوکار تغییرات اجتماعی و فرهنگی ممکن می‌دانند.

در رویکرد فرهنگی و اجتماعی، شرط لازم حکمرانی خوب و کارآیی یک حکومت، وجود فرهنگ و زندگی مدنی است (دوتوکویل، ۱۹۹۴: ۱۸۳۷؛ دیوید ایستون، ۱۹۶۵؛ آلموند و وربا، ۱۹۶۳؛ هابرماس، ۱۹۸۷؛ اینگلهارت، ۱۹۹۷: ۲۰۰۵؛ پاتنام، ۱۹۹۳: ۲۰۰۰؛ نوریس، ۲۰۰۲؛ نیوتن، ۱۹۹۷: ۲۰۰۴؛ اسلانر و دکر، ۲۰۰۱؛ گروتارت، ۲۰۰۳). توکویل از جمله نخستین اندیشمندان کلاسیک جامعه‌شناسی بود که میان نهادهای اجتماعی و ویژگی‌های سیاسی پیوند برقرار کرد. توکویل آغازکننده دیدگاهی شد که امروزه نوتوکویل‌گرایان از جمله رابرت پاتنام و فرانسیس فوکویاما ادامه‌دهنده آن هستند. این دیدگاه بر اهمیت سنت‌ها و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع که از آن‌ها با عنوان سرمایه اجتماعی یاد می‌شود و تأثیر آن بر عملکرد موفق نهادهای سیاسی و اقتصادی تأکید دارد. توکویل در اثر خود با عنوان *دموکراسی در آمریکا* وجود فرهنگ مشارکتی جمعی و تجلی آن، یعنی وجود انجمن‌های داوطلبانه انبوه و متنوع مردمی، را مهم‌ترین عامل موفقیت حکومت در آمریکا می‌نامد. وی معتقد است کارآمدی حکومت نیازمند پیوند مدنی و انجمن‌های اجتماعی واسط میان فرد و حکومت است. جامعه در غیاب جامعه مدنی و انجمن‌های اجتماعی توده‌ای می‌شود (ر.ک. توکویل، ۱۹۹۴ و ۱۸۳۷). دیوید ایستون در نظریه سیستمی خود به رابطه و تعامل نظام سیاسی و جامعه پرداخته است. او معتقد است که با افزایش انجمن‌های اجتماعی و تقویت جامعه مدنی در قالب تقاضاها و حمایت‌ها از نظام سیاسی می‌توانند با تأثیر بر تصمیمات و کنش‌های دولت، بر کارآمدی و پاسخگویی نظام سیاسی بیفزایند (ر.ک. دیوید ایستون، ۱۹۶۵ و ۱۹۵۳). آلموند و وربا در مطالعه خود درباره فرهنگ مدنی استدلال کرده‌اند اعتماد اجتماعی، تساهل و احساسات کارآمد که نمایانگر فضایل مدنی هستند، موجب کارکرد مؤثر نهادهای دموکراتیک و کارآمدی حکومت می‌شوند (ر.ک. آلموند و وربا، ۱۹۶۳).

در دستگاه نظری هابرماس جامعه شامل نظام و زیست جهان است. نظام شامل دولت و نظام اقتصادی است. زیست جهان که فضای کنش ارتباطی است، محل خیزش و تولید اعتماد اجتماعی و محل فعالیت انجمن‌های مدنی است. براساس نظریه هابرماس حکمرانی خوب زمانی محقق خواهد شد که زیست جهان قوی گردد و نظام توان استعمار زیست جهان را

نداشته باشد و تناسب اقتدار بین نظام و زیست جهان ایجاد گردد (ر.ک. هابرماس، ۱۳۸۴). به نظر رونالد اینگلهارت میزان کارآمدی نهادهای دموکراتیک به فرهنگ مدنی، ارزش‌های ابراز وجود (عضویت انجمنی) و اعتماد بستگی دارد. ایشان تغییرات میزان کارآمدی نهادهای دموکراتیک را در بین جوامع با این عوامل تبیین کرده است (اینگلهارت، ۲۰۰۵).

رابرت پاتنام استدلال کرده است سرمایه اجتماعی بالا به حکمرانی خوب می‌انجامد. از سوی دیگر، حکومت‌های خوب بهتر می‌توانند سرمایه اجتماعی را حفظ کند و کمتر آن را تخریب می‌کنند. پاتنام معتقد است سرمایه اجتماعی می‌تواند کارایی جامعه را از طریق تسهیل کنش‌های جمعی هماهنگ بهبود دهد (پاتنام، ۱۹۹۴؛ ۲۰۰۱؛ ۲۰۰۲). از نظر رابرت پاتنام عناصر سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب و پیشرفت اقتصادی و سیاسی را تضمین می‌کند. این عناصر عبارت‌اند از الزامات اخلاقی و هنجارها، اعتماد اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه انجمن‌های داوطلبانه.

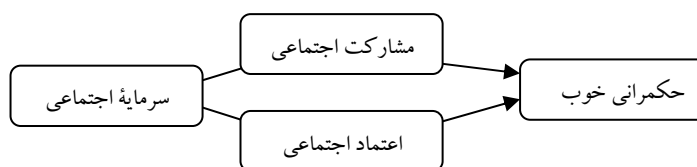
پینا نوریس معتقد است نظریه سرمایه اجتماعی با تفکر ضرورت انجمن‌های مدنی و سازمان‌های داوطلبانه در دستیابی به دموکراسی، مشارکت سیاسی و کارآمدی حکومت تکوین یافته است. نوریس سرمایه اجتماعی را شرط بهبود عملکرد دموکراتیک جامعه می‌داند، ولی معتقد است ترکیب اعتماد مدنی با فعالیت مدنی در انجمن‌ها به‌عنوان شاخص سرمایه اجتماعی اثر یکسانی بر عملکرد حکومت ندارد بلکه بیشترین اثر مربوط به اعتماد اجتماعی است نه فعالیت مدنی (نوریس، ۲۰۰۰؛ ۲۰۰۱). گروتارت سرمایه اجتماعی را مؤلفه‌ای اساسی برای تبیین این پرسش می‌داند که چرا برخی از جوامع در مقایسه با جوامع دیگر موفق‌تر هستند. به نظر گروتارت سرمایه اجتماعی موجب داشتن حکومت خوب و کارآمد می‌شود (گروتارت، ۲۰۰۱). به نظر اسلانر و دکر کشورهایی که از سطح بالای سرمایه اجتماعی برخوردارند عملکرد حکومتی مناسب‌تر و رونق بیشتر و رشد اقتصادی بیشتر خواهند داشت. این افراد معتقدند در جوامعی که میزان مشارکت در امور مدنی بالا است، حکومت کیفیت بهتری دارد (اسلانر و دکر، ۲۰۰۱). به نظر نیوتن، در شرایط سرمایه اجتماعی بالا، شهروندان جهت‌گیری معطوف به اجتماع دارند، قانون‌مدارند و با دولت همکاری بهتری دارند. اساساً اجرای سیاست‌ها در جامعه‌ای که دارای سرمایه اجتماعی بالاست به‌راحتی صورت می‌گیرد و برعکس (نیوتن، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۴). مک‌لارین و مافونیس در آزمون الزام سرمایه اجتماعی در کارآمدی حکومت ضمن ارزیابی و آزمون نظریه پاتنام برای عملیاتی

کردن سرمایه اجتماعی از میزان درگیرشدگی مدنی، عضویت و همکاری شهروندان با گروه-ها، انجمن‌ها و احزاب و میزان اعتماد اجتماعی شهروندان استفاده کرده‌اند (مافونیسکا، ۲۰۰۴؛ مک لارین، ۲۰۰۶). توماس معتقد است سرمایه اجتماعی از عوامل مهم مؤثر بر حکمرانی خوب به‌شمار می‌آید. نظارت جامعه مدنی بر تصمیم‌گیری و عملکرد بخش دولتی و مشارکت در این امور نوعی موازنه‌سازی و ابزاری مهم برای بهبود حکمرانی است. این فرایند باعث شفاف شدن دولت در منظر مردم و افزایش اختیارات شهروندان برای ایفای نقش فعال می‌شود. بررسی سمپسون و همکارانش نیز نشان داده است که پیوندهای اجتماعی، تراکم و فشردگی انجمنی و عضویت در انجمن‌های داوطلبانه می‌تواند به درگیرشدگی و مشارکت مدنی بیشتر شهروندان در پیوند با حکمرانی خوب بینجامد (سمپسون و همکاران، ۲۰۰۵). نایک در پژوهش خود نشان داده است که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و فعالیت‌های داوطلبانه تأثیر مثبت بر کیفیت حکمرانی دارد (نایک، ۲۰۰۲).

در تحقیقات بین ایالتی و بین منطقه‌ای در داخل کشور ارتباط و همبستگی سرمایه اجتماعی با حکمرانی خوب تأیید شده است (ر.ک. رایس و سامبرگ، ۱۹۹۷؛ هالی ول و پاتنام، ۱۹۹۵؛ پاتنام، ۱۹۹۳ و ۲۰۰۰؛ نایک، ۲۰۰۲). در تحقیقات بین کشوری نیز تأیید شده که اعتماد اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی تبیین‌گر اصلی حکمرانی خوب است (ر.ک. ولکاک، ۲۰۰۲؛ لاپورتا و همکاران، ۱۹۹۷؛ آنسلر، ۲۰۰۲؛ فری و استوتزر، ۲۰۰۲؛ نایک و کیفر، ۲۰۰۲؛ آدسرا و همکاران، ۲۰۰۳؛ برژنف، ۲۰۰۳).

اگر مجموعه نظریه‌ها و پژوهش‌های تجربی ارائه‌شده بیانگر دو ترکیب علی برای تحقق حکمرانی خوب باشند، یک نقطه مشترک در همه نظریه‌های مورد بحث وجود دارد و آن نقطه اشتراک این است که برای تحقق حکمرانی خوب سرمایه اجتماعی لازم است. اکنون بر مبنای استدلال ارائه‌شده می‌توان دستگاه نظری مسئله را به صورت زیر فرموله کرد:

مدل علی ۱. الگوی ارتباط سرمایه اجتماعی با حکمرانی خوب



سرمایه اجتماعی دارای دو بُعد اساسی است: اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی. اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد اصلی سرمایه اجتماعی، آمادگی بالقوه شهروندان برای همکاری و تعامل با یکدیگر و آمادگی آن‌ها را برای وارد شدن در فعالیت‌های اجتماعی نشان می‌دهد. با این نگاه، در سطح خرد، در پرتو سرمایه اجتماعی، اعضای جامعه به هم اعتماد می‌کنند و بر مبنای این اعتماد به تشکیل گروه‌ها و سازمان‌های جدید و همکاری در چارچوب آن‌ها مبادرت می‌کنند. در سطح کلان نیز با بالا رفتن اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی شهروندان، همکاری و تعامل دولت و مردم افزایش می‌یابد و تناسب اقتدار دولت و جامعه مدنی با تمرکز زدایی از قدرت ایجاد خواهد شد. لذا سرمایه اجتماعی به مشارکت فعال شهروندان در سیاست منجر می‌شود و این فرصت را برای شهروندان فراهم می‌کند که خودشان مشارکت فعالی در تصمیم‌گیری‌ها داشته باشند و کنش‌های جمعی به راحتی منجر به نتیجه گردد. در نتیجه این تعاملات هم شهروندان عقلانی می‌شوند و هم فضای جامعه در سطح نخبگان رقابتی می‌شود. علاوه بر این، با افزایش اعتماد اجتماعی و بالارفتن مشارکت مدنی شهروندان، هزینه‌های اجرای قوانین و سیاست‌های حکومت کاهش می‌یابد و مردم با مشارکت در مدیریت جامعه با دولت همکاری مطلوب خواهند داشت. با افزایش سرمایه اجتماعی و تعامل دولت و مردم در پروژه‌های مشترک، مشارکت مدنی در بین شهروندان نهادینه می‌شود و به بهبود حکمرانی کمک می‌کند. در واقع، از طریق تبادل ارتباطات، اعتماد و انرژی بین تمام نیروها و بخش‌های جامعه (نظام سیاسی و شهروندان) چرخه عقلانی ناظر بر تبادل اطلاعات و انرژی بین دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی رخ می‌دهد. این چرخه عقلانی منجر به بالارفتن کارایی همزمان جامعه و دولت و حکمرانی خوب منجر می‌گردد.

در اینجا بر مبنای منطق قیاسی - قانونی فرضیات مقاله به این صورت قابل استنتاج هستند که:

فرضیه اول: سرمایه اجتماعی شرط علی لازم برای حکمرانی خوب است.

فرضیه دوم: درجه عضویت در مجموعه سرمایه اجتماعی با درجه عضویت در مجموعه حکمرانی خوب رابطه دارد، به طوری که هرچه درجه عضویت کشورها در مجموعه سرمایه اجتماعی بیشتر باشد، درجه عضویت در مجموعه کشورهای با حکمرانی خوب نیز بیشتر خواهد بود.

این استدلال از نوع نظری و مبتنی بر گزاره‌های نظری است. تطبیق این گزاره‌ها با واقعیت نیازمند تعریف عملیاتی و تبدیل آن‌ها به سنجه‌های قابل مشاهده بود که در بخش بعدی مقاله با استفاده از رویکرد فازی به آن پرداخته شده است.

تعریف عملیاتی مفاهیم

در این قسمت ابتدا مفاهیم تعریف می‌شود و در ادامه روش ارزیابی فرضیات و اعتبار معرف-های تجربی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سرمایه اجتماعی: در این پژوهش با توجه به سطح تحلیل که کشور است، برای ارزیابی این مفهوم دو بُعد مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی در نظر گرفته شده است. هریک از این ابعاد از طریق معرف‌های تجربی مشخص ارزیابی شده‌اند. برای ارزیابی بُعد مشارکت مدنی، از معرف‌های تجربی تعلق یا عضویت در انجمن‌های داوطلبانه (میزان تعلق و فعالیت در گروه‌ها و انجمن‌های هنری، آموزشی و فرهنگی، میزان تعلق و عضویت در اتحادیه‌های حرفه‌ای، میزان تعلق و عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی، میزان تعلق و فعالیت در گروه‌های محلی، میزان تعلق و فعالیت در گروه‌های ورزشی و تفریحی، میزان تعلق و فعالیت در سازمان‌های مذهبی، میزان تعلق و فعالیت در مؤسسات خیریه و نوع دوستی) استفاده شده است. میزان عضویت برای هریک از موارد بر مبنای درصد در هریک از این معرف‌ها محاسبه شده است. سپس شاخص مشارکت مدنی هر مورد، از طریق میانگین حسابی نمرات معرف‌های مربوط محاسبه گردیده است.

برای ارزیابی بُعد اعتماد اجتماعی، از معرف‌های تجربی میزان اعتماد به سازمان‌های مختلف و اعتماد به اعضای جامعه، همسایگان، شهروندان سایر کشورها (میزان اعتماد به احزاب سیاسی، میزان اعتماد به تلویزیون، میزان اعتماد به سیستم خدمات اجتماعی، میزان اعتماد به دولت، میزان اعتماد به سیستم قضایی، میزان اعتماد به شرکت‌های تخصصی بزرگ و میزان اعتماد به مجلس) استفاده شده است. میزان اعتماد برای هریک از موارد به صورت درصدی در هریک از این معرف‌ها محاسبه شده است. سپس شاخص اعتماد اجتماعی هر مورد از طریق میانگین حسابی نمرات معرف‌های مربوط محاسبه شد. داده‌های مورد نیاز برای ارزیابی ابعاد سرمایه

اجتماعی از مجموعه داده‌های موج چهارم و پنجم پیمایش ارزش‌های جهانی^۱ جمع و گردآوری شده توسط رونالد اینگلهارت و همکارانش به دست آمده است. سپس تابع عضویت فازی تعریف شده است.

مفهوم حکمرانی خوب: در ادبیات نظری این مفهوم، حکمرانی ناظر بر بهره‌گیری از قدرت سیاسی، اعمال کنترل بر جامعه و مدیریت منابع برای توسعه اجتماعی و اقتصادی یا مدیریت کارآمد عمومی از راه برپا کردن یک حکومت و قواعد مشروع و قانونی در راستای پیشبرد ارزش‌های اجتماعی افراد و گروه‌ها است. علاوه بر این، حکمرانی پویا یا فرایندهای تصمیم‌گیری در جامعه، چگونگی توزیع و کاربرد قدرت و نحوه روابط دولت و شهروندان (افراد و گروه‌ها) تعریف شده است. حکمرانی خوب نیز مدیریت عمومی با کیفیت یا راهبری و مدیریت جامعه به گونه‌ی سنجیده، درست و کارآمد و در چارچوب حاکمیت قانون، تصمیم‌گیری منطقی و عادلانه تعریف شده است. در این پژوهش منظور ما از حکمرانی خوب، کارآمدی حکومت و مدیریت با کیفیت مبتنی بر مشارکت در جامعه است.

برای ارزیابی حکمرانی خوب از معرف‌های حق اظهار نظر قائل شدن و پاسخ‌گویی دولت، ثبات سیاسی و نبود خشونت، کارایی و اثربخشی دولت، کیفیت مقررات دولتی و نظام اداری، حاکمیت قانون و کنترل فساد استفاده شده است. برای داده‌های مورد نیاز این مفهوم از مجموعه داده‌های دوره‌ای بانک جهانی گردآوری شده توسط دانیل گافمن، آرت کری و ماسیمو مستروزی ۱۹۹۶-۲۰۰۹ استفاده شده است (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۰). در گام بعدی، بعد از اخذ نمرات خام معرف‌های کیفیت حکمرانی در سال‌های مورد نظر برای کشورهای انتخاب‌شده، با استفاده از میانگین حسابی امتیازات معرف‌های ذکر شده، شاخص حکمرانی برای هر یک از موردها به دست آمده است. بعد از محاسبه این شاخص کمی، تابع عضویت فازی تعیین شده است.

روش پژوهش

روش پژوهش این متن تطبیقی مبتنی بر رویکرد فازی است. بر اساس منطق فازی، برای هر یک از مفاهیم موجود در دستگاه نظری به‌مثابه یک مجموعه، تابع عضویت فازی تعریف شده و در

مرحله داوری بر مبنای میزان عضویت فازی، تحلیل علی فازی انجام گرفته است. واحد تحلیل در این پژوهش کشور است. در این تحقیق نمونه گیری به معنای روش های کمی انجام نشده است بلکه سعی شد بر اساس استراتژی تمام شمار کلیه موردهای مرتبط که دارای داده برای انجام مقایسه بودند، مورد بررسی قرار گیرد. برای پردازش و تحلیل داده ها از نرم افزارهای Excel, SPSS, fs/QCA استفاده شده است.

بر اساس الزامات روش شناختی رویکرد فازی، مفاهیم به عنوان مجموعه تلقی شده اند. برای هر یک از مفاهیم تابع عضویت تعریف شده است. تابع عضویت فازی عنصر کلیدی در روش فازی است. تابع عضویت فازی هم بر حسب مقولات کیفی و هم بر حسب تفاوت های کمی در میزان عضویت در بازه صفر تا یک عملیاتی می شود. هر چه نقاط گسست و ارزش های عددی فازی در بازه بیشتر باشد، دقت پژوهش نیز بیشتر می شود. در روش شناسی فازی همه چیز به طور نسبی درجه بندی می شود و حقیقت چیزی بین صفر و یک است. در این دستگاه معرفتی حقیقت سیاه و سفید به حقیقت خاکستری انتقال می یابد و همه چیز تابع اصل عدم قطعیت می شود. درجه عضویت اعضای یک مجموعه، ارزش هایی را در بازه $[0, 1]$ اختیار می کند. ارزش یک برای مثال بیانگر عضویت کامل و ارزش صفر عدم عضویت کامل است (ر.ک. راگین، ۲۰۰۸؛ چلبی، ۱۳۸۶؛ ساعی، ۱۳۸۸). در تابع عضویت فازی، درجه عضویت فازی هر یک از واحدهای تحلیل با استفاده از روش درجه بندی محاسبه می شود. درباره چگونگی تعیین تابع عضویت فازی باید گفت درجه عضویت را می توان از طریق رجوع به صاحب نظران و به کمک دانش محتوایی و دانش نظری محقق تعیین کرد. البته اگر شواهد تجربی از نوع کمی باشند، برای تعیین تابع عضویت فازی معیار کمی مورد استفاد قرار می گیرد (ر.ک. ساعی، ۱۳۸۸). عنصر کلیدی در تابع عضویت فازی درجه بندی^۱ میزان عضویت در مجموعه است. در این پژوهش از تابع عضویت فازی S شکل استفاده شده است.^۲ این تابع عضویت به

^۱ Calibration

^۲ روش های مختلفی برای تعریف تابع عضویت وجود دارد: تابع عضویت S شکل، تابع عضویت Z شکل، تابع عضویت مثلثی، تابع عضویت گاوسی، تابع عضویت دوزنقه ای و سایر توابع عضویت. برای آشنایی بیشتر با این توابع به چلبی، ۱۳۸۸ و قاسمی، ۱۳۹۰ مراجعه کنید.

پژوهشگر اجتماعی کمک می‌کند تا با استفاده از نمره هر واحد مورد مطالعه از یک متغیر درجه عضویتش در مجموعه‌ای را مشخص کند که بر اساس همان متغیر تعریف می‌شود. برای تعیین تابع عضویت فازی اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی، از تابع عضویت S شکل استفاده شده است. بعد از محاسبه امتیازات هریک از کشورها برحسب اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی، ارزش‌های بیشینه و کمینه توزیع فراوانی متغیرهای مورد نظر تعیین شده است. سپس برای تعیین سه نقطه گسست، یعنی آستانه عضویت کامل، آستانه عدم عضویت کامل و نقطه تقاطع، از معیارهای چارک اول، میانه و چارک سوم بهره گرفته شده است. در ادامه، بعد از تعیین سه نقطه گسست، ارزش‌های فازی کمی به ارزش‌های فازی با برچسب‌های زبانی معین تبدیل شده‌اند. برای ساختن تابع عضویت فازی و به منظور عملی ساختن تبدیل ریاضی برچسب‌های زبانی، یک مجموعه نه ارزشی با برچسب‌های زبانی تعریف و به هر برچسب یک درجه عضویت اختصاص داده شده است.

جدول ارزش‌های فازی

درجه عضویت	برچسب زبانی
۰/۹۹۳	عضویت کامل ^۱
۰/۹۵۳	آستانه عضویت کامل ^۲
۰/۸۸۱	بیشتر درون مجموعه ^۳
۰/۶۲۲	بیشتر درون تا بیرون مجموعه ^۴
۰/۵۰۰	نقطه گذار ^۵
۰/۳۷۸	بیشتر بیرون تا درون مجموعه ^۶
۰/۱۱۹	بیشتر بیرون از مجموعه ^۷
۰/۰۴۷	آستانه عدم عضویت کامل ^۸

¹ Full Membership

² Threshold of Full Membership

³ Mostly in

⁴ More in than out

⁵ Cross-over point

⁶ Mostly out than in

⁷ More out

⁸ Threshold of Full Non membership

روش فازی در مقام داوری درباب صدق یا کذب فرضیه متفاوت با روش‌های غیرفازی است. در روش فازی مفهوم مورد سنجش به‌مثابه یک مجموعه فازی در نظر گرفته می‌شود، آن‌گاه نوع و میزان عضویت اعضا در آن مجموعه تحلیل می‌شود. در روش فازی، صدق یک گزاره زیرمجموعه فازی در یک بازه صفر تا یک فرض می‌شود. در روش فازی برای ارزیابی شرط علی بر رابطه مجموعه‌ها بر اساس اصل زیرمجموعه تأکید می‌شود. درجه عضویت در مجموعه گزاره‌های فازی مبتنی بر ارزش‌های بین صفر و یک است. ارزش‌های زبانی کاملاً صادق، بینابین و کاملاً غیرصادق به‌عنوان ارزش‌های نسبت داده شده در بازه صفر و یک تعبیر می‌شوند. بنابراین، صدق و کذب گزاره‌ها همواره با درجاتی از عدم قطعیت همراه است. داوری تجربی فازی درباب فرضیات مبتنی بر درجه صدق یا کذب عضویت در مجموعه است.

اعتبار و پایایی: برای تعیین معرف‌ها به شیوه‌های زیر عمل شده است. استفاده از سنج‌های پژوهش‌های پیشین و بهره‌گیری از شیوه اعتبار معیار و رجوع به متون علمی و استفاده از داوری اجتماع علمی. برای ارزیابی حکمرانی خوب از معرف‌های مورد استفاده توسط دانیل گافمن، آرت کری و ماسیمو مستروزی (۱۹۹۶-۲۰۰۹)، رونالد اینگلهارت و کریستین ولزل (۲۰۰۸) استفاده شده است. این سنج‌ها انباشتی از نظرات کارشناسان و پیمایش‌های جمعیتی است که نمرات بر اساس داوری کارشناسان هر حوزه و با استفاده از منابع و اطلاعات مراجع مختلف اختصاص یافته است. البته با توجه به اینکه مفهوم حکمرانی خوب مفهومی کانونی است و دربردارنده ابعاد ناهمگون و متنوعی است، برای ساختن شاخص دقیق از حکمرانی خوب، که وزن هر یک از معرف‌ها مشخص گردد، از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شده است.^۲ برای ارزیابی سرمایه اجتماعی نیز از ابعاد اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی استفاده شده است که در اکثر پژوهش‌های سطح ملی از این ابعاد و معرف‌های مورد

^۱ Full Non membership

^۲ این تکنیک مفهوم را به صورت ترکیب خطی از معرف‌های مختلف نشان می‌دهد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که ترکیب خطی معرف‌های شش‌گانه مشخص شده برای حکمرانی خوب، به‌طور مشترک مقدار ۸۴/۷ درصد از واریانس آن را توضیح دادند.

استفاده در این پژوهش استفاده شده است^۱ (ر.ک. پاتنام، ۱۹۹۴؛ رازنفیلد و باومر، ۲۰۰۱؛ پاکستون، ۲۰۰۲، چلبی، ۱۳۸۶؛ تام رایس، ۲۰۰۱).

درباب پایایی این تحقیق نیز می‌توان گفت با توجه به اینکه از سنججه‌هایی استفاده شده است که محققان قبلی نیز از آنها استفاده کرده‌اند و شواهد تجربی مورد استفاده در این تحقیق در سطح جهان کاربرد داشته است، می‌توان گفت اگر سایر محققان نیز به همین منابع داده‌ها رجوع کنند و از طریق روش‌های تحلیل این تحقیق به آزمون فرضیات پردازند، نتایج این تحقیق را تأیید خواهند کرد.

استدلال تجربی

در این بخش، یافته‌های پژوهش در دو سطح توصیفی و تبیینی ارائه شده است. در سطح توصیفی، چگونگی توزیع و تمرکز موردهای مطالعه‌شده برحسب مفاهیم حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی توصیف شده است. در سطح تحلیل علی، رابطه فازی سرمایه اجتماعی با حکمرانی خوب با روش فازی آزمون شده است.

تحلیل توصیفی

در این تحقیق ۷۲ کشور به‌عنوان واحد تحلیل^۲ مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌های توصیفی دلالت بر آن دارند که میانگین فازی حکمرانی خوب در بین موارد برابر با ۰/۵۰ است. این مقدار واقع در نقطه گذار در مقیاس فازی است. انحراف معیار فازی حکمرانی برابر با ۰/۴، مقدار بیشینه فازی حکمرانی برابر با ۰/۹۶ و مقدار کمینه فازی حکمرانی برابر با ۰/۰۰۴ است. میانگین فازی سرمایه اجتماعی برابر با ۰/۵۱ است. این مقدار کمی بالاتر از نقطه گذار در مقیاس فازی است. انحراف معیار فازی سرمایه اجتماعی برابر با ۰/۳۲، مقدار بیشینه فازی

^۱ برای اطمینان از سازگاری درونی گویه‌های مورد استفاده در سنجش مشارکت مدنی و اعتماد اجتماعی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای گویه‌های مشارکت مدنی معادل ۰/۹۱ و برای گویه‌های اعتماد اجتماعی معادل ۰/۹۳ بود.

^۲ کشورهای مورد پژوهش داده‌های تجربی هریک از متغیرها بر پیوست‌های شماره یک و دو مقاله ارائه شده است.

آن برابر با ۰/۹۹ و مقدار کمیته فازی آن برابر با ۰/۱۱ است. آماره‌های توصیفی سازه‌های پژوهش در جدول شماره ۱ منعکس شده است.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی

Good governance.dat: Descriptive Statistics					
Variable	Mean	Std. Dev	Minimum	Maximum	N Cases
Good Governance	0.50	0.40	0.0004	0.96	۷۲
Social capital	۰.۵۱	۰.۳۲	۰.۱۱	۰.۹۹	۷۲

جدول شماره ۲ توزیع فراوانی موردهای مطالعه شده را برحسب میزان عضویت در مجموعه کشورهای با حکمرانی خوب نشان می‌دهد. بر اساس شواهد تجربی موجود می‌توان داوری کرد همه کشورهای مورد مطالعه در این پژوهش عضوی از مجموعه کشورهای با حکمرانی خوب بوده است. اما به لحاظ نوع عضویت (تمایزات کیفی) و درجه عضویت (تفاوت‌های کمی) در مجموعه کشورهای با حکمرانی خوب باید گفت که کشورهای نروژ، دانمارک، فنلاند، سوئد، سوئیس و هلند از حکمرانی خیلی خوبی برخوردارند. کشورهای انگلستان، استرالیا، آلمان، کانادا، ایرلند و نیوزیلند حکمرانی خوبی دارند. کشورهای فرانسه، بلژیک، مجارستان، ژاپن، پرتغال، سنگاپور، اسپانیا، تایوان، جمهوری چک، اسلونی، امریکا، ایسلند، استونی، اروگوئه و لوکزامبورگ حکمرانی‌شان عمدتاً خوب است. کشورهای شیلی، کرواسی، ایتالیا، لتونی، لهستان، اسلواکی، یونان و کره جنوبی از حکمرانی تاحدودی خوب برخوردار هستند. کیفیت حکمرانی در کشور مکزیک بینین است و در کشورهای رومانی، ترکیه، هند، مالزی، برزیل و روسیه حکمرانی بیشتر بد بوده است تا خوب. حکمرانی در کشورهای پرو، مراکش، آرژانتین، ایران، آذربایجان، اندونزی، السالوادور و غنا عمدتاً بد بوده است و در کشورهای تانزانیا، مصر، کلمبیا، بلغارستان، بوسنی و هرزگوین و آلبانی حکمرانی بد بوده و نهایتاً اینکه در کشورهای ویتنام، زیمبابوه، ونزوئلا، اکراین، اوگاندا، پاکستان، نیجریه، اردن، گرجستان، ارمنستان، اکوادور، دومینیک، بلاروس، بنگلادش، الجزایر، ارمنستان، استونی و صربستان کیفیت حکمرانی خیلی بد بوده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی موردها برحسب کیفیت حکمرانی

کشور	درجه عضویت	برچسب زبانی
نروژ، دانمارک، فنلاند، سوئد، سوئیس و هلند	۰/۹۹۳	حکمرانی خیلی خوب
انگلستان، استرالیا، آلمان، کانادا، ایرلند و نیوزیلند	۰/۹۵۳	حکمرانی خوب
فرانسه، بلژیک، مجارستان، ژاپن، پرغال، سنگاپور، اسپانیا، تایوان، جمهوری چک، اسلونی، امریکا، ایسلند، استونی، اروگوئه و لوکزامبورگ	۰/۸۸۱	حکمرانی عمدتاً خوب
شیلی، کرواسی، ایتالیا، لتونی، لهستان، اسلواکی، یونان و کره جنوبی	۰/۶۲۲	حکمرانی تاحدودی خوب
مکزیک	۰/۵۰۰	بینابین
ترکیه، هند، مالزی، روسیه، رومانی و برزیل	۰/۳۷۸	حکمرانی تاحدودی بد
پرو، مراکش، آرژانتین، ایران، آذربایجان، اندونزی، السالوادور و غنا	۰/۱۱۹	حکمرانی عمدتاً بد
تانزانیای مصر، کلمبیا، بلغارستان، بوسنی و هرزگوین و آلبانی	۰/۰۴۷	حکمرانی بد
ویتنام، زیمبابوه، ونزوئلا، اکراین، اوگاندا، پاکستان، نیجریه، اردن، گرجستان، ارمنستان، اکوادور، دومینیک، بلاروس، بنگلادش، الجزایر و صربستان	۰/۰۰۷	حکمرانی خیلی بد

جدول ۳ توزیع فراوانی موردهای مطالعه شده را برحسب میزان عضویت در مجموعه کشورهای با سرمایه اجتماعی بالا نشان می دهد. داده های تجربی دلالت بر آن دارند که همه کشورهای مورد مطالعه در این پژوهش عضوی از مجموعه کشورهای با سرمایه اجتماعی بالا بوده اند. اما به لحاظ نوع عضویت (تمایزات کیفی) و درجه عضویت (تفاوت های کمی) در این مجموعه باید گفت که کشورهای سوئد، استرالیا، نروژ، ژاپن، دانمارک، فنلاند، اندونزی و هلند از سرمایه اجتماعی خیلی بالایی برخوردار بوده اند. کشورهای کانادا، ایسلند، هند، نیوزیلند، تایوان، سوئیس و امریکا سرمایه اجتماعی بالایی داشته اند. کشورهای ایتالیا، آلمان، بلژیک، دومینیک، ایران، مالزی، ایرلند، جمهوری چک، صربستان، اسپانیا، لهستان و انگلستان در این مدت سرمایه اجتماعی شان عمدتاً بالا بوده است. کشورهای کره جنوبی، نیجریه، لوکزامبورگ، اکراین، اردن، ویتنام، بلغارستان، رومانی، مصر و بلاروس سرمایه اجتماعی شان

تا حدودی بالا بوده و در مقابل کشورهای ترکیه، روسیه، لتونی، فرانسه، برزیل، گرجستان، بنگلادش، آلبانی، ارمنستان، یونان و مکزیک سرمایه اجتماعی شان تا حدودی پایین بوده است. کشورهای مراکش، مجارستان، غنا، استونی، زیمبابوه، ونزوئلا، اروگوئه، سنگاپور، آرژانتین، اسلونی، کرواسی، اسلواکی، پرتغال، شیلی، بوسنی و هرزگوین، پاکستان و آذربایجان سرمایه اجتماعی شان عمدتاً پایین بوده و کشورهای کلمبیا، اوگاندا، السالوادور، الجزایر، اکوادور، پرو و تانزانیا نیز از سرمایه اجتماعی پایینی برخوردار بوده‌اند.

جدول ۳. توزیع فراوانی موردها بر حسب سرمایه اجتماعی

کشور	درجه عضویت	بر حسب زبانی
سوئد، استرالیا، نروژ، ژاپن، دانمارک، فنلاند، اندونزی و هلند	۰/۹۹۳	سرمایه اجتماعی خیلی بالا
سوئیس، کانادا، ایسلند، هند، نیوزیلند، تایوان و امریکا	۰/۹۵۳	سرمایه اجتماعی بالا
ایتالیا، آلمان، بلژیک، دومینکن، ایران، مالزی، ایرلند، جمهوری چک، صربستان، اسپانیا، لهستان و انگلستان	۰/۸۸۱	سرمایه اجتماعی عمدتاً بالا
کره جنوبی، نیجریه، لوکزامبورگ، اکراین، اردن، ویتنام، بلغارستان، مصر، رومانی و بلاروس	۰/۶۲۲	سرمایه اجتماعی تا حدودی بالا
-	۰/۵۰۰	سرمایه اجتماعی متوسط
ترکیه، روسیه، لتونی، فرانسه، برزیل، گرجستان، بنگلادش، آلبانی، ارمنستان، یونان و مکزیک	۰/۳۷۸	سرمایه اجتماعی تا حدودی پایین
مراکش، مجارستان، غنا، استونی، زیمبابوه، ونزوئلا، اروگوئه، سنگاپور، آرژانتین، اسلونی، اسلواکی، پرتغال، کرواسی، شیلی، بوسنی و هرزگوین، پاکستان و آذربایجان	۰/۱۱۹	سرمایه اجتماعی عمدتاً پایین
کلمبیا، اوگاندا، السالوادور، الجزایر، اکوادور، پرو، تانزانیا	۰/۰۴۷	سرمایه اجتماعی پایین
-	۰/۰۰۷	سرمایه اجتماعی خیلی پایین

داوری درباب فرضیه اول

برای آزمون فرضیه سرمایه اجتماعی به مثابه شرط لازم برای حکمرانی خوب از شاخص‌های سازگاری^۱ و پوشش^۲ استفاده شده است.^۳

جدول ۴. تحلیل علی روابط دو مجموعه سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب بر مبنای شرط لازم

Analysis of Necessary Conditions		
Outcome variable: Good governance		
Conditions tested:	Consistency	Coverage
Social capital	0.71	0.72

جدول ۴ رابطه فازی این دو مجموعه را نشان می‌دهد، داده‌های تجربی ناظر بر رابطه فازی دو مجموعه سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب دلالت بر آن دارد که شاخص سازگاری بین این دو مجموعه برابر با ۰/۷۱ است. این ارزش نشان می‌دهد که فقط ۷۱ درصد موردهای مطالعه شده این ادعا را تأیید می‌کند که سرمایه اجتماعی شرط لازم بر حکمرانی خوب است. بر این اساس، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی "شرطی تقریباً همیشه لازم"^۴ برای حکمرانی خوب است.^۱ شاخص پوشش بین دو مجموعه سرمایه اجتماعی

^۱ Consistency

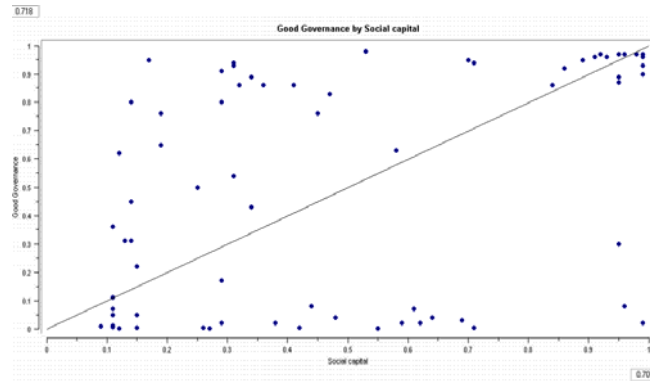
^۲ Coverage

^۳ شاخص سازگاری بیانگر این است که نتیجه (y) تا چه میزان در مجموعه شرط لازم (X) عضویت داشته و چه میزان خارج از آن است. این شاخص رابطه دو مجموعه را بر اساس شرط لازم و پیامد توضیح می‌دهد. بر مبنای اصل سازگاری، شواهد تجربی به طور کامل از اصل زیرمجموعه پیروی می‌کنند. طبق این اصل همه مصادیق نتیجه به لحاظ نظری، زیرمجموعه‌ای از مجموعه مصادیق شرط لازم را تشکیل می‌دهند. در واقع شاخص سازگاری معرف میزان اهمیت نظری رابطه مجموعه‌هاست. شاخص دیگری که برای سنجش رابطه دو مجموعه استفاده شده است پوشش است. شاخص پوشش مکمل شاخص سازگاری است. این شاخص بیانگر میزان اهمیت شرط لازم برای وقوع نتیجه است. پوشش کم، نشان‌دهنده بی‌اهمیتی و بیهودگی شرط لازم است (ر.ک. برومولر و گورتز، ۲۰۰۰؛ راگین، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶؛ چلبی، ۱۳۸۶).

^۴ Almost allways

و حکمرانی خوب برابر با ۰/۷۲ است. این ارزش، بیانگر میزان اهمیت تجربی سرمایه اجتماعی برای حکمرانی خوب است. شواهد موجود دلالت بر آن دارد که ۷۲ درصد از فضای حکمرانی خوب توسط سرمایه اجتماعی پوشش داده شده است. بدین ترتیب، شرط علی سرمایه اجتماعی ۷۲ درصد از عضویت کل نتیجه را پوشش داده است.

نمودار ۱. پراکندگی امتیازات فازی سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب



نمودار بالا نیز نشانگر پراکندگی ارزش‌های فازی سرمایه اجتماعی (شرط لازم) و حکمرانی خوب (نتیجه) است. یکی از ملاک‌های ارزیابی علت لازم بر مبنای نظریه فازی، شکل‌گیری مثلثی زیر نمودار (پلات) است. پراکندگی نقاط این مثلث نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی علتی تام برای وقوع حکمرانی خوب نیست. قرار گرفتن موارد در بالای سمت راست

^۱ نسبت سازگاری مشاهده شده با نسبت معیار با استفاده از آزمون مورد ارزیابی و مقایسه قرار گرفته است. چارلز ریگین (۲۰۰۰) برای ارزیابی شروط لازم و کافی ملاک‌های متعددی ارائه کرده است: مانند ملاک ۰/۸۰ (تقریباً همیشه: (Almost allways)، ۰/۶۵ (معمولاً: Usally) و ۰/۵ ارزش سازگاری ناظر بر رابطه مجموعه‌ای سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب معادل ۰/۷۱ است. به عبارت دیگر نسبت مشاهده در کشورهای مورد مطالعه، برابر ۰/۷۱ است. حال اگر ارزش محک ما معادل ۰/۸۰ باشد، مقدار آزمون Z برابر است با:

$$Z = \frac{0.71 - 0.80}{\sqrt{\frac{0.007}{0.007} + \frac{0.007}{0.007}}} = \frac{-0.09}{\sqrt{0.014}} = \frac{-0.09}{0.118} = -0.76$$

نیم‌ساز محور نشان‌دهنده ناسازگاری بین دو مجموعه سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب است. البته قرار گرفتن نقاط در بالای قطر اصلی می‌تواند نشان‌دهنده تصادفی بودن یا خطای اندازه‌گیری نیز باشد. نکته دیگر اینکه، پراکندگی نقاط دال بر وجود خطا نیست، بلکه به نزدیکی و دوری عضویت اعضا در مصادیق مربوط است. چنان‌که این پراکندگی نشان می‌دهد، شرایط لازم دیگری برای حکمرانی خوب وجود دارد. اگر شروط لازم بیشتری وارد معادله شوند، نقاط به محور اصلی نزدیک‌تر می‌شوند و حتی روی آن قرار می‌گیرند.

داوری درباب فرضیه دوم

برای آزمون فرضیه درجه عضویت در مجموعه سرمایه اجتماعی با درجه عضویت در مجموعه حکمرانی خوب رابطه دارد؛ به طوری که هرچه درجه عضویت در مجموعه سرمایه اجتماعی بیشتر باشد، درجه عضویت در مجموعه کشورهای با حکمرانی خوب نیز بیشتر است. از رگرسیون فازی بهره گرفته شده است.

جدول ۵. رگرسیون حکمرانی خوب بر سرمایه اجتماعی

Reg coefficients						
Model	R	R2	sig	constant	b	Beta
1	۰/۳۴	۰/۱۲	۰/۰۰۱	۰/۳۲	۰/۴۲	۰/۳۴

یافته‌های تجربی دلالت بر آن دارند که رابطه فازی مجموعه حکمرانی خوب با مجموعه شرط علی سرمایه اجتماعی به اندازه ۰/۳۴ است. مجذور آر فصل مشترک دو مجموعه $(A \cap B)$ را به صورت مقداری نشان می‌دهد. $۰/۱۲ =$ مجذور آر به این معناست که ۰/۱۲ درصد واریانس مجموعه حکمرانی خوب و مجموعه سرمایه اجتماعی مشترک است. درجه ۰/۱۲ معادل متغیر زبانی بیشتر بیرون مجموعه است. یعنی سرمایه اجتماعی بیشتر غیر عضو در مجموعه شرط علی است.

$$Y = ۰/۳۲ + ۰/۴۲(\text{سرمایه اجتماعی})$$

اگر معلول (حکمرانی خوب) زیر مجموعه شرط علی نباشد، یعنی تأثیر شرط علی سرمایه اجتماعی کنترل شود، عرض از مبدأ حکمرانی خوب ۰/۳۲ است. یعنی پایه عضویت فازی کشورها در مجموعه حکمرانی خوب (مصادیق نتیجه) قبل از ورود شرط علی سرمایه

اجتماعی برابر با ۰/۳۲ است. این مقدار پایین تر از درجه فازی نقطه گذار (۰/۵) در مقیاس فازی است. از حیث مقوله بندی کیفی موردها می توان آن را با برجسب «بیشتر بیرون تا درون مجموعه هدف» تعریف کرد. یعنی کشورهای مورد پژوهش بدون وارد کردن شرط علی سرمایه اجتماعی بیشتر غیرعضو در مجموعه کشورهای حکمرانی خوب اند تا عضو آنها. حال اگر سرمایه اجتماعی وارد تحلیل شود، به ازای هر واحد تغییر مثبت در درجه شرط علی سرمایه اجتماعی، ۰/۴۲ واحد تغییر مثبت در معلول (حکمرانی خوب) قابل تخمین است. به بیان دیگر، به ازای هر واحد افزایش در درجه عضویت کشورها در مجموعه سرمایه اجتماعی، ۰/۴۲ واحد افزایش در درجه عضویت آن کشورها در مجموعه حکمرانی خوب قابل تخمین است. البته ارزش شیب رگرسیون فازی معادل ۰/۴۲ است که ارزش زبانی فازی آن معادل «بیشتر بیرون تا درون مجموعه»^۱ است. این یافته نشان می دهد که با ورود عامل سرمایه اجتماعی به معادله، می توان بر آورد کرد که ارزش فازی مجموعه حکمرانی خوب در درون مجموعه قرار می گیرد. می توان داوری کرد که گزاره مشاهده ای موجود در بازه صفر و یک تنها با ضریب زاویه ۰/۴۲ درجه با گزاره نظری زیر سازگار است: "هر چه درجه عضویت در مجموعه سرمایه اجتماعی (مصادیق علت) بیشتر باشد، درجه عضویت در مجموعه کشورهای حکمرانی خوب (مصادیق نتیجه) نیز بیشتر خواهد بود."

نتیجه گیری

مسئله این پژوهش بررسی تفاوت پذیری کشورها به لحاظ حکمرانی خوب بود که در بخش ادبیات نظری تمام نظریه های ذکر شده به عنوان دانش نظری و تحقیقات گذشته به عنوان دانش تجربی بر این نکته تأکید شده بود که سرمایه اجتماعی بالا از الزامات حکمرانی خوب است. در ادامه، بر مبنای این استدلال منطقی بیان گردید که سرمایه اجتماعی شرط لازم برای حکمرانی خوب است. در بعد نظری با افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه و بالارفتن اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی شهروندان، همکاری و تعامل دولت و مردم افزایش می یابد و تناسب اقتدار دولت و جامعه مدنی با تمرکززدایی از قدرت ایجاد خواهد شد. سرمایه اجتماعی به مشارکت فعال شهروندان در سیاست منجر می شود. این فرصت را برای شهروندان فراهم

¹ Mostly out than in

می‌کند که در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت فعالی داشته باشند. کنش‌های جمعی به‌راحتی به نتیجه منجر گردد. در پرتو این تعاملات، شهروندان عقلانی و فضای جامعه در سطح نخبگان رقابتی می‌شود. علاوه بر این، با افزایش اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی شهروندان، هزینه‌های اجرای قوانین و سیاست‌های حکومت کاهش می‌یابد. بدین نحو که با افزایش سرمایه اجتماعی و تعامل دولت و مردم در پروژه‌های مشترک، فضیلت مدنی در بین شهروندان نهادینه شده و به بهبود حکمرانی کمک می‌کند. در واقع، تبادل ارتباطات، اعتماد و انرژی بین دولت و شهروندان به بالا رفتن کارایی جامعه و دولت منجر می‌شود و پیامد آن حکمرانی خوب است. یافته‌های تجربی پژوهش حاضر علاوه بر تأیید این استدلال نظری، نتایج تحقیقات رایس و سامبرگ، ۱۹۹۷، هالی‌ول و پاتنام، ۱۹۹۵، نایک، ۲۰۰۲، ولکاک و نارایان، ۲۰۰۲، لاپورتا و همکاران، ۱۹۹۷، آنسلا، ۲۰۰۲، فری و استوتزر، ۲۰۰۲، نایک و کیفیر، ۲۰۰۲، آدسرا و همکاران، ۲۰۰۳، برژنف، ۲۰۰۳ را نیز تأیید می‌کند. استدلال تجربی اقامه‌شده در این متن دلالت بر آن دارد که سرمایه اجتماعی شرطی معمولاً لازم برای حکمرانی خوب است. درباب دلالت عملی این پژوهش باید گفت یافته‌های تجربی بیانگر آن است که حکمرانی خوب در کشور نیازمند توازن قدرت میان دولت و جامعه مدنی است. یکی از شرایط علی این توازن را می‌توان در تقویت و افزایش سرمایه اجتماعی جست‌وجو کرد.

منابع

- ابراهیم بای سلامی، غلام‌حیدر (۱۳۸۶) «مناسبات دولت و جامعه از دیدگاه جامعه‌شناسی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰: ۱۵۱-۱۷۴.
- احمدی، یعقوب (۱۳۸۵) «سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۲۵-۲۲۶: ۵۷-۷۲.
- اینگلهارت، رونالد و پیا نوریس (۱۳۸۷) «مقدس و عرفی: دین و سیاست در جهان»، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- اینگلهارت، رونالد و کریستین ولزل (۱۳۸۹) «نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی»، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: کویر.
- اوانز، پیتر (۱۳۸۰) توسعه یا چپاول، نقش دولت در تحول صنعتی، ترجمه عباس مخبر و عباس زندباف، تهران: طرح نو.

بلاتندن، ژان (۱۳۷۸) *حکومت مقایسه‌ای*، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

پاتنام، رابرت (۱۳۸۰) *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: سلام. تاجبخش، کیان (۱۳۸۴) *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.

چلبی، مسعود (۱۳۸۸) «شاخص‌سازی تابع عضویت‌فازی، نوع‌شناسی و واسنجی در جامعه‌شناسی»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره سوم، شماره ۴: ۶-۲۸. چلبی، مسعود (۱۳۷۵) *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، چاپ چهارم، تهران: نی.

چلبی، مسعود (۱۳۸۶) *روش تطبیقی کیفی*، جزوه درسی دوره دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

چلبی، مسعود و محمد مبارکی (۱۳۸۴) «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطح خرد و کلان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، شماره ۲: ۳-۴۴. چیلکوت، رونالد (۱۳۷۷) *نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای*، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: رسا.

خدایی، ابراهیم و حسین اکبری (۱۳۸۷) «عضویت در انجمن‌های داوطلبانه، الگوها و عوامل: یک مطالعه عرضی - ملی»، *فصلنامه تحقیقات علوم اجتماعی در ایران*، سال اول، دوره اول: ۲۷-۴۹.

دینی ترکمانی، علی (۱۳۸۵) «تبیین افول سرمایه اجتماعی»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۳: ۳۴-۴۷.

ریتزر، جرج (۱۳۸۳) *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ سوم، تهران: علمی.

راگین، چارلز (۱۳۸۸) *روش تطبیقی: فراسوی راهبردهای کمی و کیفی*، ترجمه محمد فاضلی، تهران: آگاه.

ساعی، علی (۱۳۸۶) *دموکراتیزاسیون در ایران*، تهران: آگاه.

ساعی، علی (۱۳۸۶) *روش تحقیق در علوم اجتماعی: با رهیافت عقلانیت انتقادی*، تهران: سمت.

- ساعی، علی (۱۳۸۸) «معرفت‌شناسی فازی و دلالت‌های روش‌شناختی آن در علوم اجتماعی»،
مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره سوم، شماره ۴: ۵۱-۸۱.
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۸۷) «اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب»، مجله اطلاعات سیاسی-
اقتصادی، شماره ۲۵۹-۲۶۰: ۱۳۲-۱۴۵.
- سردارنیا، خلیل‌الله و همکاران (۱۳۸۸) «تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد
سیاسی: مطالعه موردی شهرهای مشهد و سبزوار»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم،
شماره اول: ۱۳۵-۱۶۵.
- شریف‌زاده، فتاح و رحمت‌الله قلی‌پور (۱۳۸۳) نقش دولت در حکمرانی خوب، تحلیل و
امکان‌سنجی آن در ایران، رساله دکتری رشته مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی.
- شریفیان‌ثانی، مریم (۱۳۸۰) «سرمایه اجتماعی مفاهیم اصلی و چارچوب نظری»، فصلنامه
مددکاری اجتماعی، شماره ۸، تهران دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله و غلام‌حیدر ابراهیم بای سلامی (۱۳۸۴) «بازگشت دولت به‌عنوان
یک نهاد اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۵: ۱۴۱-۱۶۵.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۸) «آزمون فازی فرضیات شرط لازم و شرط کافی در علوم
اجتماعی»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره سوم، شماره ۴: ۲۹-۵۰.
- عطار، سعید (۱۳۸۸) «سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دولت: عناصر دستیابی به توسعه»،
فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۴: ۱۲۹-۱۴۶.
- فاین، بن (۱۳۸۵) سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی: اقتصاد سیاسی و دانش اجتماعی در طلیعه
هزاره سوم، ترجمه محمد کمال سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹) پایان نظم: بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس
توسلی، تهران: جامعه ایرانیان.
- فیلد، جان (۱۳۸۶) سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضوانی، تهران: کویر.
- قاسمی، وحید (۱۳۹۰) سیستم‌های استنباط فازی و پژوهش‌های اجتماعی، تهران:
جامعه‌شناسان.
- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۴) حکمرانی خوب و امکان‌سنجی اجرای آن در ایران، تهران: مؤسسه
آموزش و پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷) بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.

میدری، احمد و جعفر خیرخواهان (۱۳۸۳) *حکمرانی خوب، بنیان توسعه، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی*.

لفت‌ویج، آدریان (۱۳۸۵) *دولت‌های توسعه‌گرا: پیرامون اهمیت سیاست در توسعه، ترجمه جواد افشار کهن، مشهد: طرح مرن‌دیز*.

هابرماس، یورگن (۱۳۸۴) *نظریه کنش ارتباطی: جهان زیست و نظام، ترجمه کمال پولادی، تهران: روزنامه ایران*.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵) *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران: علمی*.

Almond Gabriel and Sidney Verba (1963) *The Civic Cultuer*, Princeton, NJ: Princeton University Press.

Boix, Carles and Daniel N. Posner (2002) *Social Capital: Explaining Its Origins and Effects on Goernment Performance*, Department of Political Science and Economics, Harvard University.

Dekker, Paul and Eiic M. Uslaner (2001) *Social Capital and Participation in Everday Life*, London: Routledge.

Easton, David (1953) *The Political System: An Inquiry in to the State of Political Science*, New York:

Easton, David (1965) *A Framework for Political Analysis*, Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice- Hall.

Grootart, Christian (2001) "Social Capital: The Missing Link", in *Social Capital and Participation in Everday Life*", London: Routedge.

Hurd, D. (1991) "*Promoting Good Government*", Crossbow: Autumn.

Jackman, Robert (1985) "Cross – National Statistical Research and The Study of Comparative Politics", *American Journal of Political Science*, 29 (1): 161-182.

Kaufman. Daniel, A. Kraay and M. Mastruzzi (2009) *Governance Matter IV: Governance Indicator for 1996-2009*.

Knak, S. (2002) "Aid Dependence and Quality of Governance: Cross-Country Emprical Tests", *Southern Economic Joournal*, 68 (2): 310-29.

- Kuldeep ,Mathur (2001) "*Good Governance State and Democracy*", Center For Political Studies, Jawaherlal Nehru University, New Dehli.
- Maclaren, Lauren M. (2006) "A time Test of the Requirement of Social Capital in Making Democracy work in Italy", *Political Studies*, 54: 889-897.
- Mafunisa, M. .J. (2004) "The Role of Civil Society in Promoting Good Governance in the South Africa", *Internatinal Review of Administrative Sciences*, 70 (3).
- Migdal, Joel (1988)" *Strong Societies and Weak State: Society Relations and State Capabilities in the Third World*", Princeton: Princeton Univercity Press.
- Monty, G. Marshall and Benjamin R. Cole (2009) *Global Report Conflict, Governance and Stat Fragility*, Center of Global Policy.
- Newton, Kenneth (2004) "Social Trust" *Portugese Journal of Social Sciences*, 3 (1).
- Newton, Kenneth (1997) "Social Capital and Democracy", *American Behavioral Scientist*. 40 (5): 575-586.
- Paxton , Pamela (2002) "Social Capital and Democracy: An Interdependent Relationship" , *American Sociological Review* 67: 245- 277.
- Plumptre, Tim and J. Graham (2002) *Governance and Good Governance: International and Aboriganal Perspectives*, Institute on Governance.
- "*The Civic Cultuer*" Almond Gabriel and Sidney Verba (1963) Princeton, NJ: Princeton University Press
- Putnam, Robert (1994)*Making Democracy Work: Civic Tradition in Modern Italy*, Princeton: Princeton University Press.
- Putnam, Robert (2001) "Community-based Social Capital and Education Performance", in *Making Good Civil Society*, (ed.) by Dian Ravitch and Joseph Viteritte, Yale University Press.
- Putnam, Robert (2002) *Democracies in Flux:The Evolution of Social capital in contemporary Society*, Oxford: Oxford University Press.
- Ragin, Charles (2000) *Fuzzy-Set Social Science*, Chicago: University of Chicago Press.
- Ragin, Charles (2008) *Redesigning Social Inquiry: Fuzzy-Sets and Beyond*, Chicago: University of Chicago Press.

- Rice, Tom W. (2001) "Social Capital & Government Performance In Iowa", *Communities, Journal of Urban Affairs*, 23 (3-4).
- Rosenfeld, Richard, Steven F. Messner and Eric Baumer (2001) "Social Capital and Homicid", *Social Forces*, 80 (1): 283-309.
- Sampson, Robert et al. (2005) "Civil Society Rethinking" *American Journal of Sociology*, 111 (3).
- WWW.World Values Surrevy.org

پیوست ۱. درجه عضویت فازی موارد در مجموعه سرمایه اجتماعی

ردیف	کشور	شاخص سرمایه اجتماعی (I)	انحراف از نقطه تقاطع (D)	عدد اسکالر (S)	لگاریتم بخت (L)	درجه عضویت فازی در مجموعه سرمایه اجتماعی
۱	آلبانی	۱۳/۰۲	-۰/۹۸	۰/۵	-۰/۴۹	۰/۴۸
۲	الجزایر	۵/۶۹	-۸/۳۱	۰/۵	-۴/۱۵	۰/۰۹
۳	آرژانتین	۸/۰۳	-۵/۹۶	۰/۵	-۲/۹۸	۰/۱۵
۴	ارمنستان	۱۲/۶۸	-۱/۳۲	۰/۵	-۰/۶۶	۰/۴۴
۵	استرالیا	۲۱/۵۱	۷/۵۱	۰/۲۷	۲/۰۲	۰/۹۸
۶	آذربایجان	۱۰/۶۳	-۳/۳۷	۰/۵	-۱/۶۸	۰/۲۶
۷	بنگلادش	۱۲/۴۷	-۱/۵۲	۰/۵	-۰/۷۶	۰/۴۲
۸	بلاروس	۸/۰۹	-۵/۹۱	۰/۵	-۱/۵۹	۰/۲۷
۹	بلژیک	۱۵/۵۸	۱/۵۸	۰/۲۷	۰/۴۲	۰/۷
۱۰	بوسنی و هرزگوین	۸/۲۱	-۵/۷۹	۰/۵	-۲/۸۹	۰/۱۵
۱۱	برزیل	۱۱/۴۳	-۲/۵۷	۰/۵	-۱/۲۸	۰/۳۱
۱۲	بلغارستان	۱۳/۸۸	-۰/۱۲	۰/۵	-۰/۰۶	۰/۵۸
۱۳	کانادا	۱۹/۵۷	۵/۵۷	۰/۲۷	۱/۵	۰/۹۱
۱۴	شیلی	۱۱/۴۲	-۲/۵۷	۰/۵	-۱/۲۸	۰/۳۲
۱۵	کلمبیا	۵/۴۸	-۸/۵۱	۰/۵	-۴/۲۵	۰/۰۹
۱۶	کرواسی	۹/۳۵	-۴/۶۵	۰/۵	-۲/۳۲	۰/۱۹
۱۷	چک	۱۱/۹۵	-۲/۰۵	۰/۵	-۱/۰۲	۰/۳۶
۱۸	دانمارک	۳۳/۶	۱۹/۶	۰/۲۷	۵/۲۹	۰/۹۶
۱۹	دومینیکن	۱۴/۷	۰/۷	۰/۲۷	۰/۱۹	۰/۶۴
۲۰	اکوادور	۵/۵۴	-۸/۴۵	۰/۵	-۴/۲۲	۰/۰۹۸
۲۱	مصر	۱۶/۲۳	۲/۲۳	۰/۲۷	۰/۶	۰/۶۱
۲۲	السالوادور	۷/۴۹	-۴/۵۱	۰/۵	-۳/۲۵	۰/۱۴
۲۳	استونی	۱۱/۷۳	-۲/۲۷	۰/۵	-۱/۱۳	۰/۳۴
۲۴	فنلاند	۲۹/۱۲	۱۵/۱۲	۰/۲۷	۴/۰۸	۰/۹۸

مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۰

۰/۳۱	-۱/۳	۰/۵	-۰/۵۹	۱۱/۴۱	فرانسه	۲۵
۰/۳۸	-۰/۹۱	۰/۵	-۱/۸۲	۱۲/۱۷	گرجستان	۲۶
۰/۸۲	۰/۹۵	۰/۲۷	۳/۵۳	۱۷/۵۳	آلمان	۲۷
۰/۳۴	-۱/۱۵	۰/۵	-۲/۳۱	۱۱/۶۹	غنا	۲۸
۰/۴۱	-۰/۷۷	۰/۵	-۱/۵۴	۱۲/۴۵	یونان	۲۹
۰/۳۱	-۱/۲۸	۰/۵	-۲/۵۷	۱۱/۴۳	مجارستان	۳۰
۰/۹۵	۱/۸	۰/۲۷	۶/۶۳	۲۰/۶۳	ایسلند	۳۱
۰/۹۵	۱/۸	۰/۲۷	۶/۶۸	۲۰/۶۸	هند	۳۲
۰/۹۶	۳/۲	۰/۲۷	۱۱/۸۹	۲۵/۸۹	اندونزی	۳۳
۰/۹۲	۲/۶۳	۰/۲۷	۴/۷۶	۱۸/۷۶	ایران	۳۴
۰/۸۴	۱/۰۸	۰/۲۷	۴/۰۲	۱۸/۰۲	ایرلند	۳۵
۰/۷۷	۰/۷۳	۰/۲۷	۲/۷۲	۱۶/۷۲	ایتالیا	۳۶
۰/۹۹	۲/۱۲	۰/۲۷	۷/۸۵	۲۱/۸۵	ژاپن	۳۷
۰/۶۲	۰/۰۸	۰/۲۷	۰/۳۱	۱۴/۳۱	اردن	۳۸
۰/۴۵	-۰/۵۸	۰/۵	-۱/۱۶	۱۲/۸۳	لتونی	۳۹
۰/۵۳	-۰/۲۷	۰/۵	-۰/۵۵	۱۳/۴۵	لوکزامبورگ	۴۰
۰/۱۳	-۳/۵۹	۰/۵	-۷/۱۹	۶/۸۱	مالزی	۴۱
۰/۲۹	-۱/۶۸	۰/۵	-۳/۳۶	۱۰/۶۳	مکزیک	۴۲
۰/۳۲	-۱/۴۳	۰/۵	-۲/۸۶	۱۱/۱۳	صربستان	۴۳
۰/۳۶	-۳/۲۳	۰/۵	-۶/۴۶	۷/۵۴	مراکش	۴۴
۰/۹۸	۴/۳۲	۰/۲۷	۱۶	۳۰	هلند	۴۵
۰/۹۵	۳/۱۵	۰/۲۷	۱۱/۶۷	۲۵/۶۷	نیوزیلند	۴۶
۰/۵۵	-۰/۱۸	۰/۵	-۰/۳۷	۱۳/۶۲	نیجریه	۴۷
۰/۹۹	۵/۱۱	۰/۲۷	۱۸/۹۵	۳۲/۹۵	نروژ	۴۸
۰/۷۱	۰/۴۶	۰/۲۷	۱/۷۲	۱۵/۷۲	پاکستان	۴۹
۰/۱۱	-۴/۱۳	۰/۵	-۸/۲۷	۵/۷۳	پرو	۵۰
۰/۱۸	-۲/۲۲	۰/۵	-۴/۴۵	۹/۵۵	لهستان	۵۱
۰/۷۱	۰/۴۶	۰/۵	۱/۷۲	۱۵/۷۲	پرتغال	۵۲
۰/۱۱	-۴/۱۳	۰/۵	-۸/۲۷	۵/۷۳	رومانی	۵۳
۰/۳۹	-۰/۸۷	۰/۵	-۱/۷۵	۱۲/۲۵	روسیه	۵۴
۰/۱۷	-۲/۵۶	۰/۵	-۵/۱۳	۸/۸۶	سنگاپور	۵۵
۰/۱۴	-۳/۰۶	۰/۵	-۶/۱۳	۷/۸۷	اسلواکی	۵۶
۰/۲۹	-۱/۴	۰/۵	-۲/۸۱	۱۱/۱۹	اسلونی	۵۷
۰/۵۷	-۰/۱	۰/۵	-۰/۲۱	۱۳/۷۸	کره جنوبی	۵۸

سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب

۰/۸۶	۱/۲	۰/۲۷	۴/۴۵	۱۸/۴۵	اسپانیا	۵۹
۰/۹۹	۵/۲۶	۰/۲۷	۱۹/۴۹	۳۳/۴۹	سوئد	۶۰
۰/۹۵	۱/۸۶	۰/۲۷	۶/۷۰	۲۰/۷۰	سوئیس	۶۱
۰/۹۵	۱/۸۸	۰/۲۷	۶/۹۶	۲۰/۹۶	تایوان	۶۲
۰/۱۱	-۴/۱	۰/۵	-۸/۲۱	۵/۷۸	تانزانیا	۶۳
۰/۱۵	-۲/۸۷	۰/۵	-۵/۷۵	۸/۲۵	ترکیه	۶۴
۰/۱۱	-۴/۵۴	۰/۵	-۹/۰۹	۴/۹۱	اوگاندا	۶۵
۰/۵۹	-۰/۰۲	۰/۵	-۱/۰۶	۱۳/۹۴	اکراین	۶۶
۰/۶۹	۰/۳۷	۰/۲۷	۱/۳۹	۱۵/۳۹	ویتنام	۶۷
۰/۸۹	۱/۳۷	۰/۲۷	۵/۰۶	۱۹/۰۶	امریکا	۶۸
۰/۲۹	-۱/۴۵	۰/۵	-۲/۹۱	۱۱/۰۹	اروگوئه	۶۹
۰/۱۵	-۲/۸۳	۰/۵	-۵/۶۷	۸/۳۲	ونزوئلا	۷۰
۰/۹۸	۴/۴۶	۰/۲۷	۱۶/۵۴	۳۰/۵۴	انگلستان	۷۱
۰/۱۲	-۳/۶۷	۰/۵	-۷/۳۵	۶/۶۵	زیمبابوه	۷۲

پیوست ۲. درجه عضویت فازی موارد در مجموعه حکمرانی خوب

ردیف	نام کشور	شاخص حکمرانی (I)	انحراف از نقطه تقاطع (D)	عدد اسکالر (S)	لگاریتم بخت (L)	درجه عضویت فازی در مجموعه حکمرانی خوب
۱	آلبانی	۳۵	-۱۵	۰/۲	-۳	۰/۰۴۸
۲	الجزایر	۲۴	-۲۶	۰/۲	-۵/۲	۰/۰۰۵
۳	آرژانتین	۴۶	-۴	۰/۲	-۰/۸	۰/۳۱
۴	ارمنستان	۳۸	-۱۲	۰/۲	-۲/۴	۰/۰۸
۵	استرالیا	۹۳	۴۳	۰/۰۸	۳/۴۴	۰/۹۶
۶	آذربایجان	۲۱	-۲۹	۰/۲	-۵/۸	۰/۰۰۳۱
۷	بنگلادش	۲۲	-۲۸	۰/۲	-۵/۶	۰/۰۰۳۸
۸	بلاروس	۱۸	-۳۲	۰/۲	-۶/۴	۰/۰۰۱۷
۹	بلژیک	۸۹	۳۹	۰/۰۸	۳/۱۲	۰/۹۵
۱۰	بوسنی و هرزگوین	۳۵	-۱۵	۰/۲	-۳	۰/۰۴۸
۱۱	برزیل	۵۲	۲	۰/۰۸	۰/۱۶	۰/۵۴
۱۲	بلغارستان	۵۷	۷	۰/۰۸	۰/۵۶	۰/۶۳
۱۳	کانادا	۹۳	۴۳	۰/۰۸	۳/۴۴	۰/۹۶
۱۴	شیلی	۷۳	۲۳	۰/۰۸	۱/۸۴	۰/۸۶
۱۵	کلمبیا	۳۷	-۱۳	۰/۲	-۲/۶	۰/۰۷

مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۰

۰/۶۵	۰/۶۴	۰/۰۸	۸	۵۸	کرواسی	۱۶
۰/۸۸	۲/۰۸	۰/۰۸	۲۶	۷۶	چک	۱۷
۰/۹۷	۳/۶۸	۰/۰۸	۴۶	۹۶	دانمارک	۱۸
۰/۰۰۸	-۴/۸	۰/۲	-۲۴	۲۶	اکوادور	۱۹
۰/۰۷	-۲/۶	۰/۲	-۱۳	۳۷	مصر	۲۰
۰/۴۵	-۰/۶	۰/۲	-۳	۴۷	السالوادور	۲۱
۰/۹۷	۳/۸۴	۰/۰۸	۴۸	۹۸	فنلاند	۲۲
۰/۹۴	۲/۸	۰/۰۸	۳۵	۸۵	فرانسه	۲۳
۰/۰۱۸	-۴	۰/۲	-۲۰	۳۰	گرجستان	۲۴
۰/۹۶	۳/۲۸	۰/۰۸	۴۱	۹۱	آلمان	۲۵
۰/۴۳	-۰/۲	۰/۲	-۱	۴۹	غنا	۲۶
۰/۸۶	۱/۸۴	۰/۰۸	۲۳	۷۳	یونان	۲۷
۰/۹۰	۲/۳۲	۰/۰۸	۲۹	۷۹	ایسلند	۲۸
۰/۹۳	۲/۷۲	۰/۰۸	۳۴	۸۴	مجارستان	۲۹
۰/۳۰	-۰/۸	۰/۲	-۴	۴۶	هند	۳۰
۰/۰۱۸	-۴	۰/۲	-۲۰	۳۰	اندونزی	۳۱
۰/۰۸۴	-۲/۴	۰/۲	-۱۲	۳۸	ایران	۳۲
۰/۹۶	۳/۴۴	۰/۰۸	۴۳	۹۳	ایرلند	۳۳
۰/۸۶	۱/۸۴	۰/۰۸	۲۳	۷۳	ایتالیا	۳۴
۰/۹۳	۲/۷۲	۰/۰۸	۳۴	۸۴	ژاپن	۳۵
۰/۰۲۷	-۳/۶	۰/۲	-۱۸	۳۲	اردن	۳۶
۰/۸۳	۱/۶	۰/۰۸	۲۰	۷۰	کره جنوبی	۳۷
۰/۸۱	۱/۵۲	۰/۰۸	۱۹	۶۹	لتونی	۳۸
۰/۹۷	۳/۷۶	۰/۰۸	۴۷	۹۷	لوکزامبورگ	۳۹
۰/۷۲	۰/۹۶	۰/۰۸	۱۲	۶۲	مالزی	۴۰
۰/۵۰	۰	۰	۰	۵۰	مکزیک	۴۱
۰/۳۱	-۰/۸	۰/۲	-۴	۴۶	مراکش	۴۲
۰/۹۷	۳/۶	۰/۰۸	۴۵	۹۵	هلند	۴۳
۰/۹۷	۳/۷۶	۰/۰۸	۴۷	۹۷	نیوزیلند	۴۴
۰/۰۳۹	-۳/۲	۰/۲	-۱۶	۳۴	دومینیکن	۴۵
۰/۰۰۰۶	-۷/۴	۰/۲	-۳۷	۱۳	نیجریه	۴۶

سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب

۰/۹۷	۳/۶۸	۰/۰۸	۴۶	۹۶	نروژ	۴۷
۰/۰۰۳	-۵/۸	۰/۲	-۲۹	۲۱	پاکستان	۴۸
۰/۱۷	-۱/۶	۰/۲	-۸	۴۲	پرو	۴۹
۰/۸۱	۱/۵۲	۰/۰۸	۱۹	۶۹	لهستان	۵۰
۰/۹۴	۲/۸۸	۰/۰۸	۳۶	۸۶	پرتغال	۵۱
۰/۵۶	۰/۲۴	۰/۰۸	۳	۵۳	رومانی	۵۲
۰/۳۱	-۰/۸	۰/۲	-۴	۴۶	روسیه	۵۳
۰/۰۲۲	-۳/۸	۰/۲	-۱۹	۳۱	صربستان	۵۴
۰/۹۵	۳/۰۴	۰/۰۸	۳۸	۸۸	سنگاپور	۵۵
۰/۸۴	۱/۶۸	۰/۰۸	۲۱	۷۱	اسلواکی	۵۶
۰/۹۲	۲/۴۸	۰/۰۸	۳۱	۸۱	اسلونی	۵۷
۰/۹۲	۲/۵۶	۰/۰۸	۳۲	۸۲	اسپانیا	۵۸
۰/۹۷	۳/۶۸	۰/۰۸	۴۶	۹۶	سوئد	۵۹
۰/۹۷	۳/۷۶	۰/۰۸	۴۷	۹۷	سوئیس	۶۰
۰/۸۹	۲/۱۶	۰/۰۸	۲۷	۷۷	تایوان	۶۱
۰/۰۶	-۲/۸	۰/۲	-۱۴	۳۶	تانزانیا	۶۲
۰/۴۰	-۰/۴	۰/۲	-۲	۴۸	ترکیه	۶۳
۰/۰۲۲	-۳/۸	۰/۲	-۱۹	۳۱	اکراین	۶۴
۰/۹۵	۳/۰۴	۰/۰۸	۳۸	۸۸	امریکا	۶۵
۰/۸۴	۱/۶۸	۰/۰۸	۲۱	۷۱	اروگوئه	۶۶
۰/۰۰۳	-۵/۸	۰/۲	-۲۹	۲۱	ونزوئلا	۶۷
۰/۰۳۹	-۳/۲	۰/۲	-۱۶	۳۴	ویتنام	۶۸
۰/۰۰۰۴	-۷/۸	۰/۲	-۳۹	۱۱	زیمبابوه	۶۹
۰/۹۶	۳/۲	۰/۰۸	۴۰	۹۰	انگلستان	۷۰
۰/۹۰	۲/۳۲	۰/۰۸	۲۹	۷۹	استونی	۷۱
۰/۰۱۵	-۴/۲	۰/۲	-۲۱	۲۹	اوگاندا	۷۲